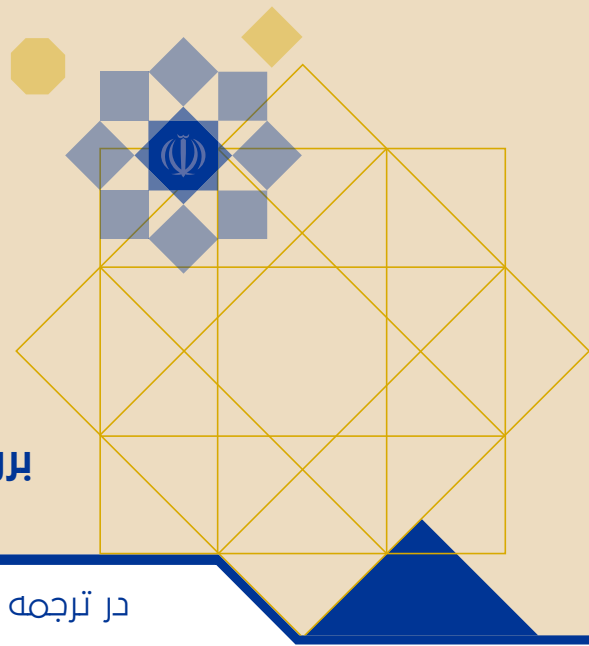




بررسی تطبیقی کارکرد معنایی اساطیر آیینی

در ترجمه اشعارِ تی اس الیوت و فدوی طوقان

بهزاد پورقربیب^(*)

سجاد عربی^(**)

زهرا سالار^(***)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۵/۶/۲۹ ◆

تاریخ پذیرش: ۲۰۲۵/۱۰/۷ ◆

چکیده

با بررسی متون ادبی معاصر، به ویژه شعر، مشخص می‌شود که اساطیر مذهبی-آیینی نقش برجسته‌ای در ساختار و محتوای آثار دارند. اسطوره و آیین به عنوان دو عنصر بنیادی فرهنگ، در تعامل دوسویه به تقویت و حفظ ارزش‌های فرهنگی جوامع کمک می‌کنند؛ بر این اساس، این مطالعه به بررسی کارکرد اساطیر مذهبی-آیینی در اشعار تی.اس. الیوت و فدوی طوقان، دو شاعر برجسته معاصر با

(*) دانشجوی زبان و ادبیات انگلیسی، گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (نویسنده مسئول). b.pourgharib@umz.ac.ir

(**) استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

(***) زهرا سالار، استادیار مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

خاستگاه‌های فرهنگی متفاوت (انگلیسی-آمریکایی و عربی-فلسطینی)، با هدف پاسخ به این پرسش می‌پردازد که اساطیر مذهبی-آیینی بویژه «مسیح (ع)»، «سییل پیشگو» و «آدونیس» در آثار تی.اس. الیوت و فدوی طوقان چه کارکردهایی دارند و اهداف دو شاعر از فراخوانی این اساطیر در اشعار خود چه بوده است؟ روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو شاعر، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، در فراخوانی اساطیر مسیح (ع)، آدونیس و سییل، تشابهاتی در رویکرد دارند اما با کارکردهای متنوع و مفاهیم متفاوتی به آن‌ها معنا بخشیده‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که الیوت و طوقان هر کدام ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی، و روحانی جدیدی به این اساطیر بخشیده‌اند که در آثار الیوت، عمق بیشتری دارد. همچنین در بررسی کارکرد اساطیر در شعر هر دو شاعر، دو بعد فردی و اجتماعی برجسته است. در بعد فردی، این اساطیر بیانگر مشکلات و دغدغه‌های روحی ناشی از تجربیات شخصی شاعران است. در بعد اجتماعی، اساطیر در شعر الیوت بازتاب‌دهنده سرخوردگی و ناامیدی ناشی از جنگ جهانی است، در حالی که در شعر طوقان، نشان‌دهنده رنج و ناامیدی ناشی از مصائب مردم فلسطین است. همچنین، بعد ترغیبی و اثرگذاری این اساطیر در اشعار هر دو شاعر مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق تأکید دارد که اساطیر مذهبی-آیینی، فراتر از نقش‌های مذهبی، به عنوان ابزاری قدرتمند در ادبیات برای بیان تجارب فردی، مسائل اجتماعی و ترویج دیدگاه‌های خاص عمل می‌کنند.

واژه های کلیدی: ادبیات تطبیقی، اسطوره، تی اس الیوت، فدوی طوقان

۱- مقدمه

اسطوره‌ها آیین‌هایی هستند که تصاویری را از ورای هزاره‌ها بازتاب کرده و به بحث درباره جهان خدایان، آفرینش مادی و معنوی جهان و آنچه در اوست، می‌پردازند.

آیین را در لغت به «سیرت، عرف، طبع، عادت و روش معنی کرده‌اند» (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ذیل آیین). برای اسطوره تعاریف مختلفی بیان شده است؛ برای مثال زرین کوب در تشریح معنای اسطوره می‌نویسد: «اسطوره قصه‌گونه‌ای است که طی توالی نسل‌های انسانی در افواه نقل می‌شود، منشأ پدیده‌های طبیعت و همچنین آیین‌ها و عقاید موروثی را به نحوی غالباً ساده‌لوحانه تبیین می‌کند و دخالت قوای مافوق طبیعت را در امور طبیعی و انسانی همراه با اسباب پیدایش دگرگونی‌هایی که بر اثر این دخالت‌ها در احوال عالم حاصل می‌آید، به بیان می‌آورد، در واقع اسطوره چنان قصه‌ای است که ناظر به توجیه واقعیات طبیعی از طریق تبیین رابطه موهوم بین آنها با قوای مافوق طبیعی منظور می‌شود.» (زرین کوب، ۱۳۶۹ش، ص ۴۰۴). همان‌طور که پیداست، در این تعریف به کارکرد اسطوره و ارتباط آن با واقعیت و ماورای واقعیت اشاره شده اما به کارکرد آن در شعر و ادبیات پرداخته نشده است. معمولاً در تعاریفی که دیده می‌شود، آیین و اسطوره در کنار یکدیگر به کار برده شده‌اند؛ «آیین‌ها هم بدون محتوای اسطوره‌ای در جهان ابتدایی بی‌معنا بوده و وجود ندارند. اسطوره و آیین از هم جدایی ناپذیر هستند.» (بهار، ۱۳۸۶ش، ص ۲۶۱). بنابراین باید گفت که اسطوره و آیین دو پدیده فرهنگی هستند که به شدت به هم مرتبطند. اسطوره، روایتی مقدس است که اغلب منشأ آیین‌ها را توضیح می‌دهد. آیین، عملی است که اسطوره را بازآفرینی کرده و به آن معنا می‌بخشد. آیین‌ها می‌توانند تجسم عملی اسطوره‌ها باشند و از این طریق، ارزش‌ها و باورهای جامعه را تقویت می‌کنند. این دو با هم، نظام‌های معنایی و رفتاری جوامع را شکل می‌دهند.

نویسندگان و شاعران از اسطوره‌ها به عنوان ابزارهای ادبی برای تحقق اهداف متنوع خود در بافت متن استفاده می‌کنند. اسطوره‌ها به دلیل گستردگی و تنوع‌شان در انواع ادبی، می‌توانند به تناسب ذهنیت و موقعیت نویسنده یا شاعر به کار گرفته شوند. در این راستا، می‌توان گفت که اسطوره بیانی است که ژرف‌ساخت

آن حقیقت و تاریخ (از منظر مردمان باستان) و روساخت آن افسانه می‌باشد؛ به گونه‌ای که اسطوره‌ها در مواجهه با حقیقت به تاریخ تبدیل می‌شوند (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۸۷). بدین ترتیب، شاعر سعی می‌کند با ارجاع به منابع اسطوره‌ای و آیین‌های مرتبط، اندیشه‌های ذهنی خود را به روشی مناسب و مخاطب‌پسند نمایان سازد. این ویژگی در اشعار شاعران مختلف جهان، به ویژه در ادبیات انگلیسی و عربی، مشاهده می‌شود.

تی.اس. الیوت به عنوان یکی از برجسته‌ترین شاعران قرن بیستم، به خوبی از چنین رویکردی در آثار خود، به ویژه در «سرزمین هرز»^(۱) بهره‌برداری کرده است؛ «این قصیده همانند دیگر آثار الیوت در یک مسیر خطی حرکت نمی‌کند، هیچ موضوع یا عنصر مشهودی در آن در جریان نیست و تنها عامل اتصال خطوط بی‌نظم و بی‌ارتباط، تکه تکه شدن است که به جنبه مدرنیسم آن برمی‌گردد.» (عرب‌یوسف آبادی و پورقریب، ۱۳۹۶ش، ص ۴۹) او با استفاده از برخی اساطیر مذهبی-آیینی مانند «مسیح (ع)»، سیل پیشگو و اسطوره تجدید حیات یا آدونیس (تموز)، اهداف مختلفی را در بافت شعری خود دنبال کرده است. دیدگاه‌های الیوت تأثیرات عمیق و قابل توجهی بر جریان‌های نقد ادبی معاصر گذاشته است (ولک، ۱۳۷۷ش، مقدمه). شفیعی کدکنی در این زمینه اشاره می‌کند که الیوت به شاعران جوان نشان داد که می‌توان با عمق‌بخشی به مفاهیم اجتماعی و دوری از احساسات سطحی، از نوعی اسطوره در شعر بهره برد و زبان شعر را به زبانی زنده نزدیک کرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۶۸-۶۹). این موضوع در مورد شعر معاصر عربی هم صدق می‌کند. در شعر معاصر عرب، به ویژه در آثار فدوی طوقان، نیز همین رویکرد را می‌توان دید. طوقان نیز از اساطیر مذهبی-آیینی جمله «مسیح (ع)»، سیل پیشگو و آدونیس در شعر خود به کار گرفته و به دنبال تاثیرگذاری بیشتر بر مخاطبان‌ش بوده است. از او به عنوان بهترین شاعر عرب نام برده می‌شود (نورایی‌نیا، ملاابراهیمی، ۱۴۰۲،

(1) The Waste Land

ص ۲۹۸). در این مقاله، کارکردهای سه اسطوره «مسیح (ع)»، «سییل پیشگو» و «آدونیس» در اشعار الیوت و طوقان به عنوان دو شاعر از شاعران غرب و شرق مورد مقایسه و تطبیق قرار می‌گیرد. این پژوهش در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

اساطیر مذهبی-آیینی «مسیح (ع)»، «سییل پیشگو» و «آدونیس» در آثار تی.اس. الیوت و فدوی طوقان چه کارکردهایی دارند؟
اهداف الیوت و طوقان در استفاده از سه اسطوره مذکور چه بوده است؟
شباهت‌ها و تفاوت‌های کارکرد این سه اسطوره آیینی-مذهبی در شعر این دو شاعر کدامند؟

۱-۱- پیشینه تحقیق

آثاری در زمینه بررسی تطبیقی اشعار تی.اس.الیوت با شاعران معاصر عربی و ایرانی انجام شده است که بیشتر در حوزه مقایسه قرار می‌گیرند تا آنکه در حوزه ادبیات تطبیقی قرار گیرند و دلیل آن هم عدم رعایت ویژگی‌های مربوط به پژوهش‌های تطبیقی است. نویسندگان در بررسی‌های خود به تحقیقی دست نیافتند که اشعار این دو شاعر را در حوزه کارکرد اساطیر بررسی کرده باشد. حتی تحقیقی پیدا نشد که به طور کلی به بررسی اشعار این دو شاعر پرداخته باشد و تنها در برخی از مطالب سایت‌های اینترنتی اشاره‌ای گذرا به نام این دو شاعر شده است که در حوزه پژوهش‌های علمی قرار نمی‌گیرد. با این حال در زیر به برخی از پژوهش‌هایی که تا حدی به موضوع حاضر ارتباط دارد و روند بررسی اشعار آنها را در حوزه موضوعی این پژوهش قرار می‌دهد، اشاره می‌شود:

عربی و همکاران در «معناشناسی کارکرد اسطوره در شعر فدوی طوقان» (۲۰۱۸)، به استفاده فدوی طوقان، بانوی شاعر فلسطینی از اساطیر مختلف در شعرش اشاره کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از اسطوره در شعر طوقان دو کارکرد

زیبایی‌شناختی و ساختاری داشته است. در این پژوهش صرفاً به کاربردی برخی اساطیر در شعر فدوی طوقان اشاره شده و به ارتباط شعر وی با تی اس الیوت اشاره‌ای نشده است.

«سلیم ساعد بنیه السلمي» در مقاله «تأثیر الیوت در شعر معاصر عربی (نمونه‌های موردپژوهانه لویس عوض، بدر شاکر السیاب وصلاح عبد الصبور أمّوذجاً)» (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیده است: «مهمترین موثرات فرهنگی که در شعر پیشگامان شعر معاصر عربی تأثیر گذاشت، شعر الیوت و آراء فلسفی و محتوای شعر او می‌تواند باشد که مبتنی بر ایمان به شکاف جوامع مدرن و شکاف ارزش‌ها در آنها و فقدان همبستگی انسانی در عصر مدرن است. شاعران پیشگام معاصر عربی در ساختار فنی قصیده از الیوت تأثیر پذیرفتند.» (السلمی، ۲۰۱۹: ۲۰۵). وی در این تحقیق به تأثیرپذیری دو شاعر از الیوت در زمینه به کارگیری اسطوره نیز اشاره کرده است اما سخنی از فدوی طوقان به میان نیاورده است.

براین اساس به این نتیجه می‌رسیم که نویسندگان در بررسی‌های خود به تحقیق مستقلی که به تطبیق کارکرد اسطوره‌های مذهبی- آیینی بویژه سه اسطوره مسیح، سیل و آدونس در شعر تی اس الیوت و فدوی طوقان با رویکرد تطبیقی پرداخته باشد، دست نیافتند. در تحقیق حاضر، شعر الیوت و طوقان با رویکرد تطبیقی بررسی و واکاوی شده است که بیانگر جنبه جدیدی از پژوهش‌های مرتبط با این دو شاعر است و زمینه تحقیق و تفحص هرچه بیشتر در ساختار و محتوای شاعران معاصر عربی و تطبیق آنها با اشعار تی اس الیوت با رویکرد ادبیات تطبیقی را ایجاب کرده، دریچه جدیدی را به روی تحقیقات این حوزه می‌گشاید.

۲-۱- روش پژوهش و چارچوب نظری

اسطوره و آیین دو پدیده فرهنگی و انسانی هستند که در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌ها به هم تنیده‌اند. «یکی از خصایص اسطوره این است که در آن همچون

مدینه فاضله، بشر دنیایی برتر و بالاتر از این دنیا می جوید.» (اردلان جوان، ۱۳۶۸: ۴۸) از دیدگاه علمی، ارتباط بین این دو را می توان در چند بُعد بررسی کرد: بُعد اول اینکه اسطوره به عنوان توجیه آیین است؛ به طوری که بسیاری از آیین ها و مناسک، ریشه در اسطوره ها دارند. اسطوره ها روایت هایی هستند که غالباً به توضیح پیدایش جهان، خدایان، قهرمانان و رویدادهای مهم می پردازند. آیین ها، اغلب به منظور بازآفرینی یا تجدید خاطرهی رویدادهای اسطوره ای اجرا می شوند. به این ترتیب، اسطوره به عنوان توجیهی برای آیین عمل می کند و به آن معنا و مشروعیت می بخشد. (فرگوسن، ۱۳۸۲، صص ۲۱۹ و ۲۲۰). برای مثال، در بسیاری از فرهنگ ها، آیین های مربوط به باروری و کشاورزی، ریشه در اسطوره های مربوط به خدایان یا الهه های باروری دارند. آیین ها به نوعی بازآفرینی یا تقلید از کنش های اسطوره ای است.

بُعد دوم عبارت است از اینکه آیین به عنوان بازآفرینی اسطوره است؛ براساس چنین رویکردی، آیین ها فقط بازتاب اسطوره ها نیستند، بلکه می توانند خود اسطوره را زنده و پویا نگه دارند. اجرای آیین ها، افراد را با الگوهای اسطوره ای درگیر کرده، حس مشارکت در رویدادهای مقدس را در آنها ایجاد می کند. به این ترتیب، آیین ها به بازآفرینی و تداوم اسطوره ها کمک می کنند. (گیرتز، ۱۹۷۳م، صص ۱۰۲-۱۰۷) به عنوان نمونه، آیین های نمایشی مانند تعزیه، بازآفرینی اسطوره ای از شهادت امام حسین (ع) را به تصویر می کشند. این آیین ها، نه تنها روایت واقعه کربلا را تداوم می بخشند، بلکه به شرکت کنندگان اجازه می دهند تا تجربه ای معنوی و عمیق از این واقعه را داشته باشند.

بُعد سوم به عملکرد اجتماعی اسطوره و آیین مربوط می شود؛ از جنبه اجتماعی، اسطوره یک روایت مقدس نیست بلکه مجموعه ذهنیت اجتماعی یک گروه اجتماعی است و نظام ارزش های پنهان در آن را در بر می گیرد و «چنین است که اسطوره همیشه مربوط به گذشته نیست و در جامعه نو نیز پدیدار می شود و پیدایی

چنین نمودی ارجاع به گذشته است.» (فرخی، ۱۳۷۹ش، ص ۳۶۰) اسطوره و آیین هر دو کارکردهای اجتماعی مهمی دارند. اسطوره‌ها به ایجاد انسجام اجتماعی کمک می‌کنند، زیرا ارزش‌ها و باورهای مشترک را ترویج می‌کنند. آیین‌ها نیز به تقویت این انسجام از طریق ایجاد تجربه‌های جمعی و مشترک کمک می‌کنند. (رک، دورکیم، ۱۹۹۵، صص ۳۶۲-۳۶۴). آیین‌های گذر مانند مراسم ازدواج یا خاکسپاری، نقش مهمی در سازماندهی و تحکیم روابط اجتماعی دارند و به انتقال افراد از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر کمک می‌کنند.

علاوه بر آنچه گفته شد، اسطوره و آیین دارای جنبه‌های روانشناختی نیز می‌باشند به طوری که اسطوره‌ها و آیین‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند تا با اضطراب‌ها و چالش‌های زندگی کنار بیایند. اسطوره‌ها روایت‌هایی ارائه می‌دهند که به افراد معنا و هدف می‌دهند، و آیین‌ها راهی برای ابراز احساسات و تسکین روان فراهم می‌کنند. (رک، یونگ، ۱۳۸۷ش، صص ۵۵-۶۷) مراسم عزاداری نمونه‌ای از آیین‌هایی است که به افراد کمک می‌کند تا با غم و فقدان عزیزان خود کنار بیایند و از حمایت اجتماعی بهره‌مند شوند. اما نکته دیگری که باید مد نظر قرار داد، این است که آنچه باعث ارزشمند شدن یک اسطوره می‌شود، شناخت دقیق ویژگی‌ها و جنبه‌های مختلف آن و همچنین استخراج و استنباط ویژگی‌های واقعی آن و تطابقش با باورها و اعتقادات جامعه است.

براساس آنچه گفته شد، روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و بر اساس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی است که تمرکز در آن بر تشابهات و تفاوت‌های میان دو شاعر است؛ بنابراین تلاش می‌شود سه اسطوره کلیدی «مسیح (ع)»، «سیبل» و «آدونیس» در اشعار این دو شاعر با هدف، واکاوی چگونگی بازتابی و کاربست این اساطیر و آشکار ساختن وجوه تشابه و تفاوت‌های معناشناختی و کارکردی آن‌ها در بسترهای فرهنگی متفاوت، تحلیل و واکاوی شود.

۱-۱-۱- اساطیر آیینی مسیح(ع)، سیبل پیشگو و آدونیس

اسطوره مسیح (ع) در مسیحیت، حول محور زندگی، مرگ و رستاخیز عیسی ناصری می‌چرخد. این اسطوره، که در انجیل‌های چهارگانه روایت شده است، شامل تولد معجزه‌آسا، تعالیم شفابخش، مصلوب شدن و سپس قیام او از بین مردگان است. مسیحیان معتقدند که عیسی(ع)، پسر خدا و تجسم خداوند بر زمین بوده و با قربانی شدن بر صلیب، گناهان بشر را پاک کرده است. (مک‌گریت، بی‌تا، ۴۱۷). آیین‌های مسیحی، بسیاری از وقایع اسطوره‌ای زندگی مسیح را گرامی می‌دارند. آیین عشای ربانی، که به یاد شام آخر عیسی(ع) با شاگردانش برگزار می‌شود، نمادی از قربانی شدن او است. غسل تعمید، نمادی از تطهیر و ورود به جامعه مسیحی است. (ر، ک، ملتون وبومن، ۲۰۰۲م، صص ۱۰ و ۵۲ و ۴۵۴ و ۳۶۶) براین اساس، تعمید تنها نمادی از طهارت است که عیسی(ع) آن را به شاگردان خویش توصیه می‌کند: «پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید دهید» (متی، ۱۲۹۹م، ص ۱۲۹۹). عید کریسمس، تولد مسیح و عید پاک، رستاخیز او را جشن می‌گیرند. این آیین‌ها، به بازآفرینی اسطوره و تقویت ایمان مسیحیان کمک می‌کند.

سیبیل پیشگو یا سیبولا (Sibyl) در اساطیر رومی و یونانی به عنوان یک زن پیشگو و پیام‌آور الهی شناخته می‌شود. او به دلیل پیش‌بینی‌هایش، به ویژه در زمینه‌های نظامی و مذهبی، مورد احترام و توجه بود. در ادبیات کلاسیک، سیبل‌ها به عنوان زنان الهام‌بخش معرفی شده‌اند که قدرتی فراسوی انسان دارند و می‌توانند ارتباطی مستقیم با خدایان برقرار کنند (ر، ک، terry، ۱۸۹۹م، صص ۴-۶). برخلاف دیگر پیشگوها، سیبل‌ها معمولاً بدون تمایلات سیاسی عمل می‌کردند و فقط به انتقال پیام‌ها و پیش‌بینی‌ها پرداخته و جامعه را از خطرات آگاه می‌ساختند (دایره المعارف انگلیسی، ۲۰۱۱). سیبل پیشگو در ادبیات معاصر نیز گاهی به عنوان نماد دانایی و بصیرت معرفی می‌شود و تصویر او در آثار مختلف هنری و ادبی تکرار

می‌شود (بورکرت، ۱۹۹۸م، ص ۱۱۷). او نماینده قدرت زنانه و شناخت غیب‌نگری است و تأثیر قابل توجهی بر ادبیات و هنر در تاریخ بشر داشته است. اسطوره آدونیس (Adonis) یا تموز یا تجدید حیات یکی از اسطوره‌های مشهور در ادبیات و مذهب باستانی تمدن‌های مدیترانه‌ای، به‌ویژه در یونان و روم است. آدونیس به عنوان نماد جوانی، زیبایی و تجدید حیات شناخته می‌شود. او به عنوان پسر عاشق آفرودیت، الهه عشق و زیبایی، معرفی می‌شود. اسطوره می‌گوید که آدونیس در جوانی در شکار حیوانات بی‌پروا بود و در یکی از این شکارها به دست یک خوک وحشی کشته می‌شود. این حادثه سبب اندوه عمیق آفرودیت می‌شود و او تصمیم می‌گیرد تا آدونیس را به دنیای زیرین بازگرداند. تجدید حیات آدونیس به دوره‌های فصلی سال ارتباط دارد و نشان‌دهنده چرخه‌های زندگی، مرگ و تولد مجدد است. در اساطیر، او به مدت نیمی از سال در دنیای زیرین و نیمی دیگر در دنیا باقی می‌ماند، که این موضوع به تغییر فصل‌ها و کشاورزی نیز مرتبط است (رک، دال، ۲۰۰۹م، صص ۱۵۴-۱۵۵). جشنواره‌هایی مانند جشن آدونیس در باستان به این موضوعات پرداخته و نمایانگر پیوند انسان با طبیعت و تحولات فصلی بوده است.

براساس آنچه گفته شد، در این مقاله، الیوت و فدوی طوقان- که به لحاظ اندیشه، عمل و شناخت و انتظارات از ماهیت و اهداف شعری و سایر موارد دیگر دارای شباهت‌های اساسی هستند- در زمینه مشترکی تحت عنوان «کارکرد اسطوره» بررسی می‌شوند؛ چرا که در دوره زمانی و شرایط اجتماعی و سیاسی تقریباً یکسانی می‌زیسته‌اند و شرایط زیستی مشابه همواره می‌تواند آثار ادبی مشابهی خلق کند. براین اساس باید به لایه‌های زیرین تشابه اهتمام ورزید. به عبارتی دیگر مسئله اصلی چرایی و چگونگی موضوع تشابه است نه تشریح خود رویداد (رک، اسماعیلی به نقل از انوشیروانی، ۱۴۰۱ش، ص ۵۵). بنابراین نکته مهم در تطبیق دو اثر براساس رویکرد ادبیات تطبیقی مکتب آمریکا، باید مشابهت‌ها و

رگه‌های ارتباطی قوی وجود داشته باشد. پس از بررسی آثار شعری دو نویسنده به این نتیجه می‌رسیم که بهترین موضوع در خصوص آثار شعری آنها، تشابهاتشان در بعد بازآفرینی اسطوره‌ها و کاربرد اسطوره‌های مشابه است. دلیل چنین موضوعی هم این است که تی اس الیوت از برجسته‌ترین شاعران شناخته شده در بعد کاربرد اسطوره به اسطوره آفرینی دست زده است. او از نظر اجتماعی و سیاسی، محافظه کار شمرده شده است. اشعار او هم از بعد روانی و شخصیتی و هم از بعد فردی و اجتماعی قابل بررسی است و اسطوره آفرینی و کاربرد اساطیر در شعر او در همین دو چارچوب قرار می‌گیرند اما به نظر می‌رسد که بعد درونی و روانی که به شخصیت او برمی‌گردد، در چارچوب اسطوره بر بعد اجتماعی و بیرونی سنگینی می‌کند. از سوی دیگر فدوی طوقان بانوی شاعر فلسطینی هم در همین دو بعد اشعار خود را سروده است و او نیز همانند الیوت بعد درونی و روانی را بر شعرش غلبه داده است هرچند که بعد اجتماعی شعر او یعنی پرداختن به قضیه فلسطین و مقاومت مردم آن، نیز بعدی بسیار مهم تلقی می‌شود و از این حیث شاید کفه ترازوی او بر شعر الیوت سنگینی کند؛ چرا که فلسطین با تاریخ طولانی مقاومت در برابر اشغال، الهام‌بخش بسیاری از شاعران جهان اسلام و از جمله طوقان بوده است (مهدی، موسوی‌نسب، ۱۴۰۴: ۱۲۱). او شاعری است که به اوضاع نابسامان جامعه عرب و خفقان و اختناق زمانه خود پاسخ‌هایی منتقدانه می‌دهد و همواره در مسائل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اظهار نظر می‌کند و در کنار آن، می‌توان از او به شاعری سیاسی هم یاد کرد.

براساس مطالب گفته شده، بهترین رویکرد برای تطبیق اشعار دو شاعر، بررسی تشابهات و تفاوت‌ها در مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی است که باعث می‌شود به چرایی تشابهات و تفاوت‌ها پاسخ‌های مناسب بدهد. از این حیث، اسطوره‌های مذهبی- آیینی یکسانی که توسط هر دو شاعر در بافت شعری به کار رفته، استخراج شده و براساس روش تحلیلی و توصیفی به بیان آنها پرداخته شده است و در نهایت

با اشاره به تشابهات و تفاوت‌های دو شاعر در رویکرد ورود به حوزه اسطوره، چرایی و چگونگی این تشابهات و تفاوت‌ها تشریح شده است تا در نهایت هدف اصلی هر پژوهش تطبیقی را که همان شناخت هرچه بیشتر است، محقق گرداند؛ براساس چنین رویکردی، تشابه کاربرد اسطوره در شعر الیوت و طوقان تشابه سطحی نیست و تشابهی است که نیاز به مذاقه فراوان دارد.

۲- تشابهات عمیق و روابط بینامتنی شعر فدوی طوقان و الیوت

در ادبیات تطبیقی تشابهات سطحی مد نظر نیست و نمی‌توان براساس آن به پژوهش تطبیقی پرداخت؛ بنابراین باید تشابهات میان آثار ادبی عمیق باشد تا بتوان وارد پژوهش تطبیقی شد (ر،ک، ولدبیگی و پیرزادنیا به نقل از حقیقت، ۱۳۷۳، ص ۴) و از سوی دیگر «تاثیرکردن و تاثیرپذیرفتن یا تشابهات ادبی اتفاقی نیستند؛ عوامل فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و سیاسی بسترساز تاثیرات و تشابهات ادبی هستند. براین اساس، برای پژوهش روشمند در ادبیات تطبیقی باید به لایه‌های زیرین تاثر و تشابه توجه کرد.» (انوشیروانی، ۱۳۸۹، صص ۳۶-۳۷) علاوه بر این، هرگونه تشابهی لزوماً حاصل ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم بین دو ادبیات نیست. (اصطیف، ۲۰۰۷، ص ۷-۸). از چنین رهگذری لازم است ابتدا به چنین تشابه عمیقی در اشعار الیوت و طوقان اشاره گردد تا زمینه ورود به بررسی تطبیقی اشعار آنها از حیث اساطیر آیینی فراهم شود. البته نباید فراموش کرد که الیوت و طوقان در یک دوره زمانی واحد می‌زیسته‌اند و طوقان به زبان انگلیسی مسلط بوده و بارها در زبان حیات خود به انگلیس سفر کرده بود. در کنار اینها، برخی از نویسندگان عرب به تشابه شعر طوقان به الیوت در مدت اقامتش در انگلیس اشاره کرده‌اند (۱) در ادبیات تطبیقی، بررسی اسطوره‌ها در آثار مختلف، به ما این امکان را می‌دهد که الگوهای مشترک و تفاوت‌های فرهنگی و ادبی را شناسایی کنیم. استفاده الیوت و طوقان از

اساطیر مذهبی، آیینی، و اسطوره‌های کلاسیک یونانی، نمونه‌ای بارز از این فرایند است. به ویژه، ارتباط میان شعر فدوی طوقان و شعر الیوت، به ما نشان می‌دهد که چگونه شاعران با پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت، می‌توانند از منابع مشترک اسطوره‌ای برای بیان دغدغه‌های خاص خود استفاده کنند. طوقان در برخی از اشعار خود به طور مستقیم یا غیرمستقیم با متون الیوت ارتباط برقرار کرده است (۲). این موضوع به ویژه، در قصیده «أردنية فلسطينية في إنكلترا» (یک زن اردنی-فلسطینی در انگلیس) نمود می‌یابد و ابیات آن ارتباط نزدیکی با فضای شعر الیوت دارد؛ جایی که دوست انگلیسی‌اش از او درباره هویتش می‌پرسد و او پاسخش را می‌دهد:

طوقان: «طقس کئیب/ و سماؤنا أبدا ضبابیه/ من أين؟ اسبانية؟ کلا أنا من .. من الأردن/ عفواً من الاردن؟ لا أفهم / أنا من رواي القدس/ وطن السنی والشمس/ یا، یا، عرفت/ اذن يهودية/ یا طعنة أهوت علی کبدی صماء وحشية» (طوقان، ۱۹۹۳م، ص ۳۱۲). (هوا غم‌انگیز و آسمانش همیشه مه‌آلود است/ اهل کجا هستی؟ اسپانیایی؟ / هرگز/ من از... از اردن هستم/ ببخشید از اردن؟ نمی‌فهمم/ من از تپه‌های قدس هستم؛ میهن ماه و خورشید/ فهمیدم، یهودی هستی؟ / آه از چاقویی که به جگرم خورد/ بی‌صدا و وحشیانه (۳))

الیوت: آوریل بی‌رحم‌ترین ماه است/ با باران بهاری ریشه‌های خواب رفته را بیدار می‌کند/... به هوفگارتن، قهوه نوشیدیم و ساعتی گپ زدیم/ روس، من، اصلاً، اهل لیتوانی، آلمانی اصیل... که وحشت را نشانت دهم/ در مشتی خاک./ باد خنک می‌وزد/ از جانبِ خون هتون./ ای بچه‌ی ایرلندی/ منتظر چی هستی؟ این روزها/ آدم باید خیلی محتاط باشد./ شهر غیرواقعی،/ روزی زمستانی در مه‌ای قهوه‌ای،/ انبوه مردم بر پُل لندن روان بودند،/ انبوه/ گمان نمی‌کردم، مرگ این همه را از پای انداخته باشد (الیوت، ۲۰۰۱م، ص ۱۱)

ارتباطی که طوقان در این قصیده با شعر الیوت برقرار کرده، در چند سطح قابل بررسی است: موضوع اول، فضای غم‌انگیز و مه‌آلود، است؛ به طوری که توصیف

فضای شعر با عباراتی مانند «هوا غم‌انگیز و آسمان ما همیشه مه آلود است» یادآور فضای شعر الیوت، به‌ویژه سرزمین هرز است. این فضا، نمادی از بحران هویت و بی‌وطنی در دنیای مدرن است. موضوع دوم، پرسش از هویت و بیگانگی است: در شعر طوقان، پرسش از هویت شاعر (اسپانیایی؟ یهودی؟) و احساس بیگانگی او در غرب، بازتابی از دغدغه‌های الیوت در مورد هویت و بی‌وطنی است. الیوت نیز در اشعارش، به‌ویژه در «سرزمین هرز»، به مسئله‌ی بحران هویتی و سردرگمی انسان مدرن در دنیای پس از جنگ جهانی اول می‌پردازد. اما موضوع سوم، اشاره ضمنی به وطن است: جایی که طوقان با یادآوری زادگاه خود (من از تپه‌های بیت المقدس هستم)، به نوعی به مفهوم وطن و دلتنگی برای آن اشاره می‌کند، که بازتابی از احساسات شاعر در اشعار الیوت است. الیوت نیز از همین فضا، برای نمایش دغدغه‌های خود در مورد زوال ارزش‌های فرهنگی و دینی غرب استفاده می‌کند.

تشابه دیگر شعر دو شاعر به مفهوم «عشق خیانت‌آمیز» و تزویر تاریخی مربوط می‌شود؛ همانطور که ایده عشق در «سرزمین هرز» پر از خیانت و مکر است، دروغ و فریبی که بر غرب به خاطر جعل حقایق تاریخ سرزمین فلسطین سایه افکنده، نیز پر از مکر و خیانت است. این موضوع، نشان‌دهنده این است که هر دو شاعر، به نوعی، به نقد نظام‌های قدرت و روایت‌های نادرست تاریخی می‌پردازند.

تحلیل اشعار الیوت و طوقان در چارچوب ادبیات تطبیقی، نشان می‌دهد که چگونه شاعران با پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوت، می‌توانند از منابع مشترک اسطوره‌ای و ادبی برای بیان دغدغه‌های خود استفاده کنند. طوقان با ارتباط غیرمستقیم با الیوت، به نوعی به گفتگوی بین‌فرهنگی می‌پردازد و با استفاده از مضامین و تکنیک‌های شعر مدرن، صدای مردم فلسطین را به گوش جهان می‌رساند.

۳- اسطوره مسیح(ع) در شعر الیوت و طوقان

الیوت و فدوی طوقان، مسیح(ع) را با همان کارکرد مذهبی و آیینی در اشعار خود

فراخوانده‌اند و از رهگذر چنین رویکردی، از یک طرف بر فرهنگ گسترده خود صحنه گذاشته‌اند و از طرف دیگر، درد و رنج‌های مسیح را در دنیایی تسجیم بخشیده‌اند که سال‌ها با دوران مسیح (ع) فاصله داشته است اما هنوز از آن واقعه و مصیبت‌های مسیح (ع) عبرت نگرفته‌اند و همچنان همان راه را ادامه می‌دهند؛ استفاده زیاد هر دو شاعر از این اسطوره آیینی - مذهبی را در اشعارشان شاهد هستیم و این موضوع، باعث می‌شود تا به این نتیجه برسیم که مسیح (ع) و مصیبت‌هایش به خوبی با روایات دو شاعر و اهدافی که در نظر داشته‌اند، مطابقت داشته است به طوری که بیشتر از سایر شخصیت‌ها در اشعار خود از مسیح (ع) بهره گرفته‌اند؛ جایی که پنج بخش سرزمین هرز و هر یک از کوارتت‌های الیوت به پنج زخم مسیح بر روی صلیب اشاره دارد.» (واقعه‌دشتی به نقل از فرح‌بخش، ۱۳۹۷م، ص ۱۶۱). برای مثال الیوت در قسمت «آنچه رعد گفت» به دوران حیات حضرت مسیح (ع) اشاره کرده و آورده است:

الیوت: «این کیست آن سومین نفر که گام با تو بر می‌دارد؟ / وقتی که می‌شمارم تنها تویی و من / اما به پیش رو که می‌نگرم در انتهای این جاده سپید / همواره می‌بینمش که با تو روان است / پوشیده سر، پیچیده در ردای قهوه‌ای‌فام / مرد است یا که زن نمی‌دانم / اما بگو بدانم این کیست آن که در کنار تو آن سوی توست؟» (الیوت، ۲۰۰۱م، ص ۱۳).

الیوت: چیزی را آرزو نمی‌کنیم که اتفاق افتد / هفت سال را آرام زیسته ایم، کامیاب در اینکه از دیده‌ها پنهان باشیم. زنده و نیم زنده. (همان: ۴۳). مسئله را با لبخندی مطرح می‌کردم / جهان را به درون گویی می‌فشردم / و آن را به سوی پرسشی توانکاه می‌غلطاندم / و می‌گفتم: «من لازاروسم (۴) ، باز آمده از دنیای مردگان / باز آمده تا همه چیز را به شما بگویم / من همه چیز را به شما خواهم گفت / اگر کسی که بالشی را زیر سرش می‌گذاشت می‌گفت: / منظور من اصلاً این نبود / نه ، اصلاً این نیست» (الیوت، ۱۳۸۸: ۳۰)

طوقان: «في احتدام الدم والنار وطغيان الجنون/ بسط الفادي نبي الحب كفيه علينا/ وافقدانا/ آه ما أغلى الفداء!/ واشترانا/ آه ما أغلى الثمن!/ وعلى وخز مسامير الألم/ وعلى حز سكاكين العياء/ أسند الرأس وأرخى/ هذب جفنيه ونام/ وبعينه رؤى الحب وأحلام السلام» (طوقان، ۱۹۹۳م، صص ۶۰۳-۶۰۴). (در اوج خون و آتش و طغيان جنون، فادی پیامبر عشق، داستان‌ش را به سوی ما دراز کرد و به داد ما رسید/ خود را فدای ما کرد/ آه فداکاری چه گران است/ و ما را خرید/ وبها چه گران است/ بر میخ های تیز/ و بر تیزی چاقوهای ناتوانی/ بالش زیر سر نهاد و استراحت کرد/ پلک ها را برهم نهاد و خوابید/ در حالی که در چشمانش خواب‌های عشق و رویای صلح بود)

طوقان: «القدس علی درب الآلام/ تجلد تحت صلیب المحنة/ تنزف تحت ید الجلاذ/ والعالم قلب منغلق/ دون المأساة» (طوقان، ۲۰۰۰م، ص ۵۰۰) (قدس در مسیر دردها / زیر صلیب مصیبت، تازیانه می‌خورد/ زیر دست جلاذ خون‌ریزی می‌کند/ در حالی که جهان قلب بسته‌ای است/ بدون اندوه)

همان‌طور که دیده می‌شود، در اشعار الیوت، اسطوره مسیح (ع) به شکلی پیچیده و چندلایه بازنمایی می‌شود. الیوت به عنوان یک شاعر مدرنیست، از اسطوره‌های مذهبی برای بیان بحران‌های روحی و معنوی انسان مدرن استفاده می‌کند. در قطعات آورده شده، ما با چند جنبه از این بازنمایی روبرو هستیم. در ابیات «این کیست آن سومین نفر که گام با تو بر می‌دارد؟» الیوت به زندگی حضرت مسیح (ع) اشاره کرده، به حضور مبهم و مرموز شخص سومی اشاره دارد که می‌تواند نمادی از حضور مسیح (ع) به عنوان یک همراه و راهنما در سفر زندگی باشد. این حضور، نه به صورت واضح و مشخص، بلکه به صورت یک سایه یا همراه نامرئی ترسیم شده است. همچنین با ردای قهوه‌ای‌فام به زندگی مسیح (ع) اشاره کرده و جنبه آیینی این اسطوره را برجسته کرده است. در ادامه اشعارش، لازاروس در عقاید مسیحیت و رستاخیز را برجسته می‌کند. ارجاع به لازاروس (که در انجیل به عنوان فردی که

مسیح او را از مرگ زنده کرد)، نشان‌دهنده تمایل الیوت به بررسی مفهوم رستاخیز و امید به احیای معنوی است. الیوت از این اسطوره برای بیان تجربه‌ای از مرگ و بازگشت استفاده می‌کند که می‌تواند به نوعی تجدید حیات معنوی اشاره داشته باشد. ابیات «هوا غم انگیز و آسمان ما همیشه مه آلود است...» و «چیزی را آرزو نمی‌کنیم که اتفاق افتد...» نشان‌دهنده حس عمیق غم، انزوا، و بی‌هدفی در جهان مدرن است. الیوت با استفاده از این فضا، به نوعی به وضعیت انسان مدرن اشاره می‌کند که در جستجوی معنا و هدف است

طوقان از همین رویکرد الیوت به اسطوره مسیح(ع) در شعر خود استفاده کرده و براساس دیدگاه مسیحیت، آن را در بافت شعری خود به کار برده است و همین موضوع تشابه شعر او از این حیث را نشان می‌دهد با این تفاوت که در شعر فدوی طوقان، اسطوره مسیح (ع) به شکل دیگری عمل می‌کند. او با استفاده از اسطوره مسیح (ع)، به نوعی با الهام از اشعار الیوت که در بالا ذکر شد، به بازتاب دردها، مصائب و رنج‌های مردم فلسطین می‌پردازد. در اشعار او، مسیح (ع) به عنوان نمادی از فداکاری و ایثار ظاهر می‌شود. طوقان با نامیدن «فادی» (که لقبی برای مسیح است) به رهبران و شهدای فلسطین، به نوعی آنان را با مسیح (ع) همسان می‌کند و از آنها به عنوان الگوهای فداکاری یاد می‌کند. این کارکرد اسطوره‌ای، به شعر طوقان بُعد حماسی و حماسی-مذهبی می‌دهد.

موضوع دیگر در اشعار طوقان، تراژدی‌های ایلول (سپتامبر) (۵) و مرگ عبدالناصر است؛ پیوند دادن حوادث دردناک ایلول و مرگ عبدالناصر با مصائب مسیح، نشان می‌دهد که طوقان از اسطوره مسیح (ع) برای بیان درد و رنج جمعی مردم فلسطین استفاده می‌کند. این مصائب به عنوان بخشی از یک الگوی کلی‌تر از رنج و فداکاری بازنمایی می‌شود. طوقان از قدس به عنوان مسیح قرن بیستم یاد کرده است. مقایسه رنج‌های قدس با رنج‌های مسیح، نشان‌دهنده این است که طوقان از اسطوره مسیح (ع) به عنوان وسیله‌ای برای اعتراض و ابراز همدردی استفاده می‌کند. او با تشبیه

قدس به مسیح، به دنبال جلب توجه جهانی به مصائب فلسطین است. با این دیدگاه که «عیسی مسیح اولین شهید فلسطینی بوده است» (۵)، طوقان اسطوره مسیح (ع) را به یک چارچوب بومی‌تر و سیاسی‌تر منتقل می‌کند. این بازتعریف از اسطوره مسیح (ع) به شعر طوقان بُعدی انقلابی و مقاومت‌گر می‌دهد.

بنابر آنچه گفته شد، درباره تشابهات کارکرد اسطوره مسیح در شعر دو شاعر می‌توان گفت که هر دو شاعر از اسطوره مسیح (ع) به عنوان ابزاری برای بیان مضامین عمیق انسانی و معنوی استفاده می‌کنند. آنها با فراخوانی این اسطوره بر رنج و فداکاری تمرکز کرده‌اند؛ هر دو شاعر به مفاهیم رنج، فداکاری و ایثار توجه دارند و از اسطوره مسیح (ع) برای تاکید بر این مفاهیم استفاده می‌کنند. هر دو شاعر از اسطوره مسیح (ع) به عنوان نمادی برای بیان مفاهیم فراتر از واقعیت‌های تاریخی استفاده می‌کنند. علاوه براین، هر دو شاعر به دنبال نوعی احیا و تعالی معنوی هستند، اگرچه الیوت بیشتر به جنبه‌های فردی و طوقان به جنبه‌های جمعی و سیاسی توجه دارد. با این حال الیوت به عنوان یک مسیحی، از اسطوره مسیح (ع) در چارچوب اعتقادات دینی خود استفاده می‌کند، در حالی که طوقان به عنوان یک مسلمان، اسطوره مسیح (ع) را در چارچوبی سیاسی و اجتماعی و البته با همان رویکرد الیوت به کار می‌برد. الیوت بیشتر به بیان بحران‌های روحی و معنوی انسان مدرن می‌پردازد، در حالی که شعر طوقان بر بیان درد و رنج مردم فلسطین و فراخوانی به مقاومت و ایستادگی متمرکز است. الیوت به بازگویی دقیق‌تر آموزه‌های مسیحیت توجه دارد، در حالی که طوقان بیشتر به جنبه‌های اسطوره‌ای و نمادین مسیح (ع) تاکید می‌کند. اشعار الیوت به آداب و رسوم مسیحیت اشاره دارند، در حالی که طوقان بیشتر از بُعد اسطوره‌ای و آیینی مسیح برای همدردی با مصائب مردم خود بهره می‌برد و به دنبال ترویج عقاید مسیحی نیست. الیوت اغلب درگیر درونیات خود است و مخاطب عام را هدف قرار نمی‌دهد در حالی که طوقان در پی جلب توجه جهان به مصائب مردم فلسطین و ایجاد حس مقاومت

است. در این تحلیل، می‌بینیم که چگونه الیوت و طوقان از اسطوره مسیح (ع) برای بیان مفاهیم و دغدغه‌های خود استفاده می‌کنند. هر دو شاعر، با استفاده از این اسطوره، به نوعی به بررسی مفاهیم رنج، فداکاری، امید، و رستگاری پرداخته‌اند. با این حال، تفاوت‌ها در زمینه فرهنگی، اهداف، و دیدگاه‌های مذهبی آن‌ها باعث شده است که بازگویی اسطوره مسیح (ع) در اشعارشان متفاوت باشد. الیوت با دیدی فردگرایانه و متأثر از بحران‌های معنوی انسان مدرن، اسطوره مسیح (ع) را به شکلی پیچیده و چندلایه به کار می‌برد، در حالی که طوقان با دیدی جمعی و سیاسی، از این اسطوره برای بیان درد و رنج مردم خود و فراخوان به مقاومت استفاده می‌کند.

۴- اسطوره آدونیس/تموز در شعر الیوت و طوقان

مسئله نزاع با مرگ از زمان خلقت انسان ذهن آن‌ها را به خود مشغول کرده و همواره یک مسئله اساسی و حیاتی برای آن‌ها بوده است. این نزاع تلخ و طولانی، در طول نسل‌های مختلف تاریخ تمدن بشریت، انواع و اشکال متعددی را به خود گرفته است اما با این حال بشر در نزاع با مرگ، همواره ابا داشته است که شکست را بپذیرد. این موضوع آن‌ها را به ابداع جهان اساطیری- که زندگی پس از مرگ بر آن غلبه دارد- سوق داده است. «پدیده مرگ و زنده شدن دوباره از دهه پنجاه قرن گذشته در شعر معاصر عربی و در پوشش اسطوره‌های حاصلخیزی و خدایان نیل که بیانگر پویایی مرگ و تولد است، ظهور کرد. این اسطوره یا تموز بوده و یا آدونیس و یا پرومیسوس. دلیل احساس به این تجدید حیات، اندیشه ملی و حامیان آن بوده است.» (قاسم، ۲۰۰۴م، ص ۲۳۶). اسطوره آدونیس یا تموز حاوی معانی و مفاهیم متعددی است که مهمترین آن‌ها مردن برای زندگی و مرگی است که به حیات منتهی می‌شود. این اسطوره «بیانگر پایان حیات و تجدید دوباره آن در هر سال است.» (رزوق، ۱۹۹۰م، ص ۲۱).

آدونیس از رایجترین اساطیری است که در سرزمین هرز به شیوه‌ها و انواع مختلف بازآفرینی شده و بعد اسطوره‌ای نوآورانه و خلاقانه نوینی به خود گرفته است. الیوت این اسطوره را همراه با ماه آوریل و رویش دوباره گیاهان به کار می‌برد که همواره می‌میرد و زنده می‌شود. به عبارت دیگر، «از این مرگ و میرها و رستاخیزها یا دوباره زنده شدن‌ها به صورت گل، مشهورترین و آشکارترین‌شان مرگ و نیستی آدونیس بود.» (همیلتون، ۱۳۸۳ش، ص ۱۱۹).

الیوت: «آوریل بی‌رحم‌ترین ماه‌هاست؛/ از خاک مرده گل یاس می‌رویاند/ خاطره و شوق را/ درهم می‌آمیزد،/ وریشه‌های افسرده را با باران بهاری / برمی‌انگیزد.» (الیوت، ۲۰۰۱م، ص ۱۱)

الیوت: «آیا جوانه‌ای زده؟ آیا شکوفه می‌دهد امسال؟/ آن که سرمای ناگهانی آشفته بستر خواب‌اش را؟» (همان، ص ۱۴)

الیوت: زمستان گرم‌ان کرد و می‌پوشاند/ زمین را در برفی هوش‌بر، می‌خواند/ ذره‌ای حیات در ریشه‌هایی خشک./ تابستان غافلگیرمان کرد، با رگباری بر روی دریاچه‌ی استارنبرگ؛ ایستادیم در پناهگاه/ راه خود را پیش گرفتیم در آفتاب، به سوی هوفگارتن/ و قهوه نوشیدیم (همان، ص ۸).

الیوت: توئی که با من در آن کشتی بودی در مایلا/ آن بی‌جان را کاشتی در باغچه‌ات سال پیش/ جوانه زده است؟ شکوفه خواهد کرد امسال؟/ یا آیا شبنم بی‌خبر برهم زده است بسترش را/ آی، سگ را، که یاور انسان‌هاست، دور بدار از آن (همان، ص ۱۱)

طوقان: «علی جسد الأرض راحت أنامله الخضر تنقل خطواتها... عشقناه تموز!/ عشقناه تموز ینفz تل الرماد ویمنح لیالتنا/ شمسہ الذہبیہ/ أخبئ ما یثقل النفس، شجرة حزني علی ضفة الحلم تنمو وتکبر/ یطاردني الظل، آه... لماذا/ لماذا یفتح فی ظهر تموز جرح ویلمع خنجر؟!» (طوقان، ۱۹۸۷م، ص ۷). (سرانگشتان سبز تموز بر پیکر زمین قدم‌هایش را حرکت می‌دهد ... ای تموز عاشقانه‌ی ما! تموز عاشقانه‌ی ما

توده‌ی خاکستر را می‌تکاند/ و به شب‌های ما/ خورشیدِ زرّینش را می‌بخشد./ آنچه جان را سنگین می‌کند پنهان می‌کنم؛/ درختِ اندوهم بر کرانه‌ی رؤیا/ می‌روید و بزرگ می‌شود./ سایه مرا تعقیب می‌کند، آه... چرا/ چرا در پشتِ تموز زخمی دهان می‌گشاید/ و خنجری می‌درخشد؟! عاشق تموزیم که تل خاکسترها را کنار می‌زند و به شب‌ها و تاریکی‌هایمان، خورشید طلایی می‌بخشد.

طوقان: «کفانی اموت علیها وأدفن فیها/ وتحت ثراها أذوب وأفنی/ وأبعث عشباً علی أرضها/ وأبعث زهرة إلیها تعبت بها کف طفل نمته بلادی/ کفانی أظل بحضن بلادی تراباً/ وعشباً وزهرة» (طوقان، ۱۹۹۳، ص ۴۲۶). (همین مرا کافیسست که روی خاکش بمیرم/ و در آن دفن شوم و زیر خاکش تجزیه و فنا شوم/ و چون گیاه و شکوفه‌ای بر زمینش دوباره زنده گردم که دست کودکی که کشورم پرورش داده، با آن بازی کند/ همین بس که خاکی در آغوش مینهم بمانم.

الیوت در «سرزمین هرز»، اسطوره آدونیس را به شیوه‌ای نوآورانه و خلاقانه بازآفرینی کرده است. او در بخش «خاکسپاری مرده»، با استفاده از تصویر آوریل که با رویش گل‌های یاس از خاک مرده همراه است، به اسطوره تجدید حیات اشاره می‌کند. در شعر الیوت، اسطوره آدونیس نمادی از امیدواری در برابر ناامیدی است که پس از جنگ جهانی اول، جامعه را فراگرفته است. او با استفاده از این اسطوره، تلاش می‌کند تا به مردمی که امیدشان را از دست داده‌اند، امیدواری دوباره ببخشد. از سوی دیگر، فدوی طوقان نیز به طور گسترده از اسطوره تجدید حیات یا تموز در شعر خود استفاده کرده است. او حتی هفتمین دیوان شعر خود را با عنوان «تموز و موضوعی دیگر» نامگذاری کرده است. در این دیوان، او به موضوع جاودانگی، بقا، و حقوق ملی مردم فلسطین می‌پردازد. او لفظ «تموز» را بارها در این مجموعه تکرار می‌کند و از آن برای بیان امید و مقاومت در برابر ظلم استفاده می‌کند. همان‌طور که هویدا است، در شعر طوقان، اسطوره تموز نمادی از امید و خوشبینی در برابر درد و رنج مردم فلسطین و پیاداری آنها است. او با استفاده از

این اسطوره، به مخاطبان خود امیدواری می‌دهد و بر این باور است که مرگ در راه میهن، به نوعی، زندگی دوباره است.

بعد آیینی و اجتماعی یکی از تشابهات دو شاعر در کاربرد این اسطوره است: هر دو شاعر به بعد آیینی و اجتماعی اسطوره آدونیس/تموز توجه دارند. آن‌ها از این اسطوره برای بیان دغدغه‌های اجتماعی و روان‌شناختی استفاده می‌کنند. تشابه دیگر، گسترش امیدواری است؛ هر دو شاعر از این اسطوره برای گسترش روحیه امیدواری و رهایی از سرخوردگی استفاده می‌کنند. مقابله با ناامیدی، تشابه دیگر کارکرد دو اسطوره در نزد الیوت و طوقان است؛ هر دو شاعر با استفاده از این اسطوره، در صدد مقابله با ناامیدی و یاس ناشی از وقایع اجتماعی و جنگ هستند. اما در خصوص تفاوت‌های اشعار دو شاعر در این خصوص باید به ابعاد مختلفی اشاره کرد؛ گستره مخاطب یکی از این ابعاد است؛ الیوت به دنبال امیدواری برای همه بشریت است که پس از جنگ جهانی اول، دچار بحران معنوی شده‌اند، در حالی که طوقان به طور خاص به دنبال امیدواری برای مردم فلسطین است که تحت ظلم و ستم اسرائیل قرار دارند. کاربرد اسطوره در شعر طوقان واضح‌تر است. او به طور مستقیم به اسطوره تموز اشاره می‌کند، در حالی که در شعر الیوت، کاربرد اسطوره ظریف‌تر است و نیاز به تامل عمیق‌تری دارد. زمینه اجتماعی-سیاسی، تفاوت دیگر کارکرد اسطوره آدونیس در شعر دو شاعر است؛ استفاده طوقان از اسطوره تموز، بیشتر در بافت سیاسی و اجتماعی قرار دارد و به طور مستقیم به مبارزات و مشکلات مردم فلسطین مرتبط است، در حالی که الیوت، با نگاهی کلان‌تر، به بحران‌های هویتی و معنوی انسان مدرن می‌پردازد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که اسطوره آدونیس/تموز در شعر الیوت و طوقان، به عنوان ابزاری قدرتمند برای بیان دغدغه‌های اجتماعی و شخصی به کار رفته است. هر دو شاعر، با رویکردهای متفاوت، از این اسطوره برای گسترش روحیه امیدواری و رهایی از ناامیدی استفاده کرده‌اند. الیوت با نگاهی کلان‌تر به بحران‌های معنوی

انسان مدرن می‌پردازد، در حالی که طوقان، با تمرکز بر مسئله فلسطین، از اسطوره برای تقویت روحیه مقاومت و امید در میان مردم خود استفاده می‌کند. در نهایت، هر دو شاعر نشان می‌دهند که اسطوره‌ها نه تنها داستان‌های گذشته، بلکه ابزاری برای تفسیر و درک وضعیت کنونی و امید به آینده هستند.

۵- اسطوره سیبل (پیشگویی زمانه) در شعر الیوت و طوقان

اسطوره «سیبل» یا سیبولا یک الهه و یک بانوی پیشگو در اسطوره رومی است و به اسم «سیبل کومیایی» هم شناخته شده است. او به آنیاس در هبوط به جهان اسفل کمک کرد. پیش‌گویی‌های سیبل در دوران حکمرانی تارکینوس پادشاه افسانه‌ای اتروسک به امپراتوری روم هم راه یافت. «یک زن غریب به تارکینوس پیشنهاد فروش ۹ بخش از کتاب‌های سیبل را ارائه کرد و هنگامی که مخالفت کرد، آن زن بخش‌های دیگر را سوزاند و سه بخش از آنها را به قیمت ۹ بخش به او پیشنهاد کرد و پادشاه نیز سه بخش باقی‌مانده را خرید و کتاب‌ها را در کاپیتول توسط راهبان نگهداری کرد و پس از غارت رم توسط وندال‌ها در سال ۴۱۰، کتاب‌ها ناپدید گشتند.» (کورتل، ۲۰۰۵م، ص ۱۶۳-۱۶۴). سیبل در اسطوره‌های یونان و روم به زنان پیشگویی می‌گفتند که هر یک به گوشه‌ای از جهان باستان منسوب بودند. قفس سیبل کومی یک بطری است، چه او نیز همچون «تیتونوس» پسر «التومدون» پادشاه تروی و محبوب «ایوس»- الهه سحرگاه از خدایان خواسته است تا به او عمر جاودان ارزانی دارد، اما طلب جوانی جاودان را از یاد برده است و خدایان نیز به او عمر جاودان ارزانی داشته‌اند اما در قالبی که روز به روز خردتر و چروکیده‌تر می‌شود و محکوم است که عمرش را در این جهان کوچک سر کند(ر، ک، شعله‌ور، ۱۳۶۹ش، ص ۲۳). الیوت از این اسطوره در قصیده بلند خود، سرزمین هرز به وفور استفاده کرده است. البته نام اسطوره را فقط در مقدمه این شعر می‌آورد، ولی مفهوم و سایر دلالت‌های مربوط به آن را در متن شعر به کار می‌برد و از آینده

تراژدیک برای انسان‌ها سخن می‌گوید (برای نمونه ر، ک، الیوت، ۲۰۰۱م، ص ۴-۱۳) در واقع این اسطوره، اولین شخصیت اسطوره‌ای است که در منظومه سرزمین هرز از آن یاد شده است (اولاد، ۱۳۹۸ش، ص ۷۳)

الیوت: آنگاه سیبل! با چشم‌های خود دیدمش در کومیا که در قفسی آویخته بود، و هنگامی که بچه‌ها صدایش می‌زدند، «سیبل چه می‌خواهی؟» پاسخ می‌داد: «می‌خواهم بمیرم (الیوت، ۲۰۰۱، ص ۱).

الیوت: اینجا نمی‌توانی بایستی یا استراحت کنی و بنشین / می‌بینی آیا می‌توانم نظم را در این سرزمین‌ها بفرستم؟ (همان، ص ۱۵)

الیوت: پیشگوی معروف / تب داشت، با این همه / این اندیشناک‌ترین زن اروپا / با یک دست ورق بد اقبال، در اینجا اعلام می‌دارد او / این است فال تو، دریانورد فنیقی شکست خورده، نگاه! مرواریدها چشمانش اند (همان، ص ۱۶).

طوقان: «حين بلغت عامي العشرين / قالت لي العرافة الدهرية: / تنبّني عنك الرياح في هبوبها / تقول: تعويذة الشرّ المحيق ههنا / بينك الملهل المشطور / معقودةً تظلّ لا تزول / حتّى يجئ الفارس المكرّس المنذور / تنبّني الرياح في هبوبها / عن فارسٍ يجيء» (طوقان، ۱۹۹۳م، ص ۲۴۲). هنگامی که به بیست سالگی رسیدم، پیشگوی زمانه (سیبل) به من گفت: باده‌ها در وزش‌های خود از تو به من خبر می‌دهند و می‌گویند: طلسم شیطانی اینجا را فرا گرفته است و از بین نمی‌رود تا اینکه شوالیه جان سپار هشداردهنده بیاید. باده‌ها در وزش خود از آمدن شوالیه ای خبر می‌دهند. طوقان: «هلاً سألت لي الرياح / يا عرافة الرياح / متى يجيء الفارس المنذور؟ / حين يصيرُ الرفض / محرقة وجلجلة / تلفظه أحشاء هذي الأرض / من جسمها بضعة / لكنّما الرياحُ في هبوبها» (همان، ص ۲۴۳). (آیا از باده‌ها برایم نرسیدی / ای پیشگوی باده‌ها / که سوارِ موعود چه زمانی می‌آید؟ / آنگاه که «نه» گفتن / به آتشدانی و غرش بدل شود، / و احشای این زمین / او را به بیرون پرتاب کند؛ / پاره‌ای از تنِ خویش / اما باده‌ها / در وزیدنِ خود.

طوقان: «یشدنی ایلول / إلی شقوق بیتي الملهل المشطور / ولم تزل عرافة الرياح / تطرق بابي الحزين كلما تنفس الصباح / تقول لي: «حين تتم دورة الفصول» / «ترجمعه مواسم الأمطار» / «يطلعه آذار» / «في عرفان الزهر والنوار» (همان، ص ۴۶۵). سپتامبر مرا می‌کشد / به شکاف‌های خانه‌ی فرسوده و دوپاره‌ام؛ / و فال‌گیرِ بادها / همچنان هر بار که صبح نفسی می‌کشد، / بر درِ اندوه‌گینم می‌کوبد. / به من می‌گوید: «آنگاه که چرخه‌ی فصل‌ها کامل شود» / «باران‌ها او را باز می‌گردانند» / «مارس او را پدیدار می‌کند» / «در شکوفایی گل و شکوفه».

اسطوره سیبل، در تاریخ اساطیر جایگاه ویژه‌ای دارد؛ او با کمک به آتیاس در سفر به جهان مردگان و پیشگویی‌هایش در دوران تارکینوس، پادشاه افسانه‌ای اتروسک، نقشی پررنگ ایفا کرده است. سیبل به دلیل طلب جاودانگی از خدایان بدون درخواست جوانی، محکوم به پیری بی‌پایان در قفسی کوچک است، وضعیتی که میل به مرگ را در او برانگیخته است. سیبل در شعر تی.اس. الیوت، پیشگوی ناامید در قفس مدرنیته است. او در ابتدای منظومه «سرزمین هرز»، از اسطوره سیبل برد. در شعر شاعر انگلیسی، سیبل کومیایی به عنوان پیشگوی شهر مدرن، نه تنها پیام‌آور امید نیست، بلکه شخصیتی رنج‌دیده است که آرزویی جز مرگ ندارد. الیوت با استفاده از این اسطوره، فضای ناامیدی، ویرانی، و سترونی معنوی جهان معاصر را به تصویر می‌کشد. سیبل در اینجا نماد کهن‌الگوی پیشگویی است که در قفس زمان و مکان گرفتار شده است و به عنوان راوی، وضع وخیم آینده انسان‌ها را به تصویر می‌کشد. الیوت با استفاده از بعد منفی این اسطوره، به مخاطب خود یادآوری می‌کند که با کارهایی که انسان‌ها در جنگ جهانی اول انجام دادند، آینده روشنی پیش رو ندارند.

در مقابل، سیبل در شعر فدوی طوقان یک پیشگوی امیدبخش رهایی است؛ طوقان نیز از این اسطوره در لابه لای اشعار خود استفاده کرده است، با این تفاوت که رویکردی امیدوارانه‌تر نسبت به شعر الیوت دارد اما بیانگر همان رویکرد آیینی

مربوط به این اسطوره در روم است. او نیز مانند الیوت، از اسطوره سیبل پیشگو، اسطوره بومی و وطنی خود را می‌سازد و در بافت شعری خود جای می‌دهد. شاعر در شعرش از پیشگویی سخن می‌گوید که از آمدن شوالیه‌ای نجات‌بخش خبر می‌دهد. او با استفاده از عباراتی مانند «پیشگوی زمانه» و «بادها در وزیدنشان از تو خبر می‌دهند»، به اسطوره سیبل اشاره می‌کند. طوقان از این اسطوره به عنوان ابزاری برای ایجاد امید و باور به رهایی در میان مردم فلسطین استفاده می‌کند. برای او، اسطوره سیبل نمادی از پیشگویی است که نوید آینده‌ای روشن را می‌دهد. هر دو شاعر از اسطوره سیبل به عنوان نمادی از پیشگویی استفاده می‌کنند و در شعر هر دو بازتاب سرخوردگی است؛ آنها از این اسطوره برای بازتاب سرخوردگی و عذاب روحی ناشی از شرایط زمانه بهره می‌برند. تمرکز بر مرگ و زندگی، محوریت اشعار دو شاعر را در استفاده از این اسطوره بیان می‌کند؛ هر دو شاعر به مفهوم مرگ و زندگی و تجدید حیات، هر چند با نگاهی متفاوت، توجه دارند. اما تفاوت کارکرد این اسطوره در متن دو شاعر به لحن پیشگویی آن مربوط می‌شود؛ پیشگویی در شعر الیوت بدبینانه و ناامیدکننده است، در حالی که در شعر طوقان، لحنی امیدوارانه و نویدبخش دارد. علاوه بر این، الیوت با کاربست این اسطوره، با دیدی کلان‌تر به مشکلات انسان مدرن می‌پردازد، در حالی که طوقان، با تمرکز بر مسئله فلسطین، از اسطوره سیبل برای ایجاد امید و انگیزه در میان مردم خود استفاده می‌کند. طوقان اسطوره سیبل را با اسطوره تجدید حیات تلفیق می‌کند تا نشان دهد که مرگ در راه میهن، به نوعی، زندگی دوباره است، در حالی که الیوت بر جنبه یاس و ناامیدی اسطوره سیبل تاکید دارد. الیوت مرگ را به مثابه بی‌حرکی و سرخوردگی مردم می‌بیند، در حالی که طوقان مرگ را به عنوان مقدمه‌ای برای زندگی دوباره در نظر می‌گیرد.

بنابر آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که الیوت با استفاده از اسطوره سیبل، مخاطب را به فضای اسطوره‌ای و تخیلی می‌کشاند تا اوضاع وخیم جامعه‌اش را به

تصویر بکشد. سیبل در شعر او نماد خستگی و ناامیدی انسان مدرن است که دیگر آرزویی جز مرگ ندارد. در مقابل، طوقان از اسطوره سیبل برای ایجاد امیدواری در میان مردم فلسطین استفاده می‌کند. او سیبل را به عنوان پیشگویی می‌بیند که نوید آینده‌ای درخشان را می‌دهد و از این طریق مردم را به مقاومت تشویق می‌کند. هر دو شاعر در اشعار خود، عنصر سرخوردگی و عذاب روحی را به نمایش می‌گذارند و با توسل به اساطیر مختلف، به دنبال یافتن راهی برای رهایی از این وضعیت هستند. هر دو شاعر، با نمایش مه آلود بودن فضا، به ناامیدی و بی‌حاصلی اشاره می‌کنند. با این حال، در حالی که الیوت همچنان ناامید است، طوقان همچنان امیدوار به آینده‌ای روشن است. در نهایت، هر دو شاعر نشان می‌دهند که اساطیر نه تنها داستان‌های کهن، بلکه ابزاری برای بیان دغدغه‌های انسانی و امید به آینده هستند.

۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی کارکردهای اساطیر مذهبی-آیینی «مسیح (ع)»، «سیبل پیشگو» و «آدونیس» در اشعار تی.اس. الیوت و فدوی طوقان پرداخته و نشان داد که این اسطوره‌ها در هر دو اثر، نه تنها به غنای هنری و فکری اشعار کمک کرده‌اند، بلکه به ابزاری برای بیان دغدغه‌های اجتماعی و روانی شاعران تبدیل شده‌اند. هر یک از این اسطوره‌ها حامل مضامین عمیق انسانی و اجتماعی هستند که به بررسی روابط پیچیده فرد و اجتماع پرداخته و هویت فرهنگی و ملی شاعر را شکل می‌دهند.

به‌ویژه، الیوت از اساطیر برای انتقاد از وضعیت بشر پس از جنگ جهانی اول و ویرانگری که به بار آورد استفاده می‌کند. او با کشف تنهایی و ناامیدی در زندگی مدرن، از شخصیت‌های اسطوره‌ای همچون سیبل و آدونیس برای به تصویر کشیدن دردها و حسرت‌های بشریت عصر خود بهره می‌گیرد. در مقابل، طوقان به‌عنوان شاعری معاصر و هوادار آرمان‌های ملی، از همان اسطوره‌ها برای بیان مصائب مردم

فلسطين استفاده می‌کند و شخصیت مسیح (ع) را به‌عنوان نماد رهایی و امید در اشعار خود گنجانده است. این رویکرد او تأکیدی بر اهمیت هویت ملی و فرهنگی در مواجهه با بحران‌های تاریخی است.

علاوه بر این، شباهت‌های بارزی میان کارکرد اساطیر در آثار این دو شاعر وجود دارد. هر دو از اسطوره‌ها برای بیان احساسات درونی و اجتماعی خود بهره می‌برند، اما تفاوت‌های اساسی نیز میان آن‌ها قابل توجه است. الیوت بیشتر بر جنبه‌های انتقادی و ناامیدکننده تمرکز دارد، در حالی که طوقان تلاش می‌کند تا با ایجاد تصویری از امید و رهایی، پیوند عمیق‌تری با مخاطب خود برقرار کند. در واقع، کارکرد اسطوره در آثار الیوت بیشتر به‌عنوان ابزاری برای نارسایی‌های بشری و انتقاد از جنگ و بی‌تفاوتی به کار می‌رود، در حالی که طوقان با تأکید بر مطلع‌سازی و ترغیب به تغییر، در پی بیان مشکلات اجتماعی و سیاسی قوم خود است.

در پایان می‌توان گفت که هر دو شاعر با استفاده از اساطیر، نه تنها به بیان درونیات خویش و انتقاد از وضعیت اجتماعی پرداخته‌اند، بلکه توانسته‌اند بخشی از فرهنگ و تاریخ ملت‌های خود را در شعر خود بازآفرینی کنند. این کارکردهای اسطوره‌گرا در شعر الیوت و طوقان، از یک سو نشان‌دهنده تأثیر ژرف اسطوره بر احساسات انسانی و از سوی دیگر، نمایانگر تلاش آن‌ها در به‌کارگیری این ابزار برای مطالعه و نقد اجتماعی است.

پی‌نوشت‌ها

(۱) برای مثال می‌توان به «فخری صالح» در مقاله «تحولات فدوی طوقان الشعرية: من الرومانسية الى لغة التعبير المباشر» اشاره کرد که در شماره ۵۷ مجله الدراسات الفلسطينية منتشر شده است. او در این مقاله می‌نویسد: «شعر فدوی طوقان در مجموعه امام الباب المغلق که بیشتر آن را در چارچوب سفر به انگلیس سروده، دگرگون می‌شود و با تجارب پیشگامان شعر معاصر بویژه شعر الیوت در

می آمیزد و ویژگی های فرهنگی معاصر و بینش های جهانی که این شعر با آن درآمیخته، آشکار می شود. او همچنین در بخش دیگری از همین مقاله اشاره کرده است که قصیده «فی المدینه الهرمه» بیانگر تجربه تی اس الیوت و سرزمین هرز است.

(۲) برای دیدن نمونه های بیشتر ن، ک، طوقان، ۱۹۹۳: صص ۴۴۵-۴۵۰. همچنین همان منبع، صص ۴۵۱-۴۵۲. ۴۵۵.

(۳) ترجمه اشعار عربی و انگلیسی از نویسندگان است.

(۴) لازاروس مردی بود که توسط حضرت عیسی مسیح زنده شد.

(۴) منظور از ایلول در زبان عربی همان ماه سپتامبر است که ماه تراژدی برای فلسطینیان محسوب می شود. بیشتر اتفاقات ناگوار فلسطینیان در این ماه رخ داده است از جمله سپتامبر سیاه (الایلول الاسود) سال ۱۹۷۰ در اردن که به جنگ داخلی این کشور گفته می شود. درگیری بین دو گروه عمده جمعیت اردن یعنی فلسطینیان تحت عنوان سازمان آزادیبخش فلسطین، (به رهبری یاسر عرفات) و نیروهای مسلح اردن (به رهبری ملک حسین) صورت گرفت. همچنین کشتار صبرا و شتیلا هم در همین ماه از سال ۱۹۸۲ رخ داد که در جریان آن ۳۵۰۰ فلسطینی به دست اسرائیل به شهادت رسیدند. توافقنامه اسلو هم که منجر به به رسمیت شناختن اسرائیل توسط سازمان آزادی بخش فلسطین رخ داد در همین ماه از سال ۱۹۹۳ رخ داد.

(۵) فدوی طوقان در گفتگویی با روزنامه ایتالیایی «Giornale di Sicilia» که از او پرسیده بود: «تو مسلمان هستی در حالی که پس از اشغال فلسطین قصیده «به حضرت مسیح در عیدش» را نوشتی؛ چرا به حضرت مسیح؟ در پاسخ گفت: «اولا اینکه ما مسلمانان به پیامبری مسیح ایمان داریم و دوما، دلیل نوشتن این قصیده این بود که حضرت مسیح اولین شهید فدایی فلسطینی بود.» (ر، ک، بکار، ۲۰۱۰)

کتابنامه

۱. اسماعیلی، مراد، (۱۴۰۱)، «تحلیل تطبیقی شعر و نقاشی عصر صفوی با تکیه بر آرای هنری رماک»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۶۴، صص ۸۱-۵۱.
۲. اصطفی، عبدالنبی، (۲۰۰۷)، العرب والادب المقارن، دمشق: منشورات الهيئه العامه السوريه للكتاب.
۳. الیوت، تی.اس. (۱۳۸۸)، سرزمین هرز، ترجمه جواد علاچی، تهران: نیلوفر.
۴. انوشیروانی، علیرضا، (۱۳۸۹)، «آسیب شناسی ادبیات تطبیقی در ایران»، ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۲-۵۵.
۵. اولاد، فروغ (۱۳۹۸)، «درون‌مایه‌های اساطیری سرزمین سترون تی.اس. الیوت»، مجله نقد زبان و ادبیات خارجی، دوره ۱۶، شماره ۲۳، شماره پیاپی ۲۳، صص ۹۲-۶۳.
۶. بکار، یوسف، (۲۰۱۰)، «القدس فی استشراف الشعراء وتصویرهم»، جریده الراي الاردنيه، تاریخ استفاده: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷، قابل دسترس در لینک زیر:
۷. <https://alrai.com/article/397340/ملاحق/القدس-في-استشراف-الشعراء-وتصویرهم>
۸. بهار، مهرداد (۱۳۸۶)، جستاری چند در فرهنگ ایران، چ ۲، تهران: اسطوره.
۹. اردلان جوان، علی، (۱۳۶۸)، تجلی شاعرانه اساطیر و روایات مذهبی در اشعار خاقانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه، ج ۱ (دوره جدید)، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، در قلمرو وجدان سیری در عقاید ادیان و اساطیر، تهران: انتشارات علمی.
۱۲. السلمي، سليم ساعد بنیه، (۲۰۱۹)، «أثر إليوت في الشعر العربي الحديث (لويس عوض وبدر شاكر السياب وصلاح عبد الصبور أمودجاً)»، مجله الدراسات الادبيه، المجلد ۳۹، العدد ۴، يناير ۲۰۱۹، الصفحة ۱۹۹۳-۲۰۱۸.

۱۳. السحار، سعید جوده، موسوعة أعلام الفكر العربي، مكتبة مصر الفجالة، دون تاریخ.
۱۴. شعله‌ور، بهمن، (۱۳۶۹)، درباره سرزمین هرز، موخر، کتاب سرزمین هرز، انتشارات فاریاب.
۱۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
۱۶. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳)، انواع ادبی، تهران: فردوس.
۱۷. صالح، فخری (۲۰۰۴)، «تحولات فدوی طوقان الشعریه: من الرومانسیه الى لغه التعبير المباشر»، مجله الدراسات الفلسطینیه، المجلد ۱۵، العدد ۵۷، صص ۱۱۶-۱۰۷.
۱۸. عربی، موسی، عربی، سجاد و حمیدرضا غلامی، (۲۰۱۸)، «دلالات توظيف الاساطیر فی شعر فدوی طوقان شاعره فلسطین، مجله اللغة العربیه واددابها»، المجلد ۱۳، العدد ۴، صص ۵۴۷-۵۶۴.
۱۹. عرب یوسف آبادی، فائزه، پورقریب، بهزاد، (۱۳۹۶)، «بررسی تطبیقی شعر «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد از فروغ فرخزاد با شعر سرزمین هرز از تی. اس. الیوت»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۴۴-۶۷.
۲۰. طوقان، فدوی (۱۹۹۳)، الاعمال الشعریه الکامله، عمان: دارالفارس للنشر و التوزیع.
۲۱. طوقان، فدوی، دیوان فدوی طوقان، دارالعودة، بیروت، (۲۰۰۰م).
۲۲. فرخی، باجلان، (۱۳۷۹ش)، «اسطوره و آیین»، کتاب ماه هنر، شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۳۶-۴۱.
۲۳. فرگوسن، دیوید، (۱۳۸۲)، رودلف بولتمان: متفکران بزرگ مسیحی، ترجمه انشالله رحمتی، تهران: گام نو.

۲۴. قاسم، نادر (۲۰۰۷م)، «اساطير الموت والانبعاث في مجموعه نهر الرماد للشاعر خليل حاوي»، مجله القدس المفتوحه للابحاث، العدد ۳.
۲۵. كورتل، آرثر (۱۹۹۳م)، قاموس اساطير العالم، ترجمه: سهى الطريحي، ط ۶، دمشق: دار نينوى للمؤسسه العربيه للدراسات والنشر.
۲۶. مك گراث، آليستر. (۱۳۹۰). درسنامه الهيات مسيحي. ترجمه بهروز حدادی. قم: انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب.
۲۷. مهتدي، حسين، موسوى نسب، مريم. (۱۴۰۴ش)، بررسى مضامين پايدارى در شعر معين بسيسو و سعيد بيابانكى، (الدراسات الأدبية(في اللغة العربية والفارسية وتفاعلهما)، دوره ۵۵، شماره ۱۰۹، صص ۱۱۵-۱۵۰.
۲۸. نورايي نيا، زهره، ملاابراهيمى، عزت. (۱۴۰۲ش)، بررسى هنرسازه تکرار در تبیین مفاهيم شعری طاهره صفارزاده و فدوى طوقان، مجله الدراسات الادبية(في اللغة العربية والفارسية وتفاعلهما)، دوره ۵۳، شماره ۱۰۶- شماره پیاپی ۱۰۶، صص ۲۷۳-۳۰۰.
۲۹. واقعه دشتی، مائده، (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی اساطیر در شعر تی.اس. الیوت و فروغ فرخزاد»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، س ۹، ش ۱ (پیاپی ۱۸)، صص ۱۵۹-۱۷۳.
۳۰. ولدبیگی، مرادعلی، پیرزادنيا، مينا (۱۳۹۳)، «ماهیت ادبیات تطبیقی، چالش ها و آفت شناسی چشم اندازها در ادبیات معاصر ایران»، دومین همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، صص ۱۸۲۳-۱۸۴۰.
۳۱. ولک، رنه، (۱۳۷۷)، تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.
۳۲. همیلتون، ادیت. (۱۳۸۳)، سیری در اساطیر یونان و روم، ترجمه عبدالحسین شریفیات، تهران: اساطیر.
۳۳. یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۷). انسان و سمبولهایش. ترجمه محمود سلطانیه. تهران: انتشارات جامی.

منابع لاتین

1. Burkert, W. (1985). *Greek Religion*. Harvard University Press.
2. Dalley, S. (2009). *Myths from Mesopotamia: Creation, the Flood, Gilgamesh, and Others*. Oxford University Press.
3. Durkheim, E. (1995). *The Elementary Forms of the Religious Life* (K. E. Fields, Trans.). Library of Congress.
4. Geertz, C. (1973). *The Interpretation of Cultures: Selected Essays*. Basic Books.
5. McGrath, A. E. (n.d.). *Christian Theology: An Introduction* (5th ed.). Wiley-Blackwell.
6. Melton, J. G., Baumann, M. (Eds.). (n.d.). *Religions of the World: A Comprehensive Encyclopedia of Beliefs and Practices* (D. B. Barrett D. Wiebe, Eds.). Library of Congress.
7. Smith, W. R. (1889). *Lectures on the Religion of the Semites* (1st series, 1st ed.). Black

سایت های اینترنتی

۱. لؤلؤة، عبدالواحد، تأثیرات ت.س. الیوت علی حداثة الشعر والنقد فی العالم العربی، ۱۴۰۴/۰۳/۱۲:
2. Al-Quds. (n.d.). Alquds Newspaper. Retrieved January 23, 2025, from <https://www.alquds.co.uk>
3. Fadwa Tuqan – Jehat. (n.d.). Jehat.com. Retrieved January 23, 2025, from <http://www.jehat.com/Jehat/ar/Gharreb/fadwa.htm>
4. Fadwa Tuqan Biography. (n.d.). School Arabia. Retrieved January

- 23, 2025, from <http://www.schoolarabia.net/arabic/fadwa-tokan/fadwa1.htm>
5. Arabiyat. (n.d.). Arabiyat Magazine. Retrieved January 23, 2025, from <http://www.arabiyat.com/content/1298>
 6. Ezboard Forum. (n.d.). Discussion Page. Retrieved January 23, 2025, from <http://ezboard.com/fndbfrm.20.showprevMessage?TopicID=47>
 7. Sibyls. (n.d.). Encyclopedia.com. Retrieved January 23, 2025, from <https://www.encyclopedia.com/humanities/news-wires-white-papers-and-books/sibyls>